

پس از ۲ سال سکوت
راز قتل ۵ عضو یک خانواده فاش شد

نورنیوزا اجساد پنج عضو یک خانواده در منطقه پونک تهران پس از حدود دو سال پنهان کاری کشف شد. ماجرای این پرونده زمانی وارد مرحله تازه ای شد که یک زن جوان با مراجعه به دادسرای جنایی تهران، موضوع مفقود شدن همسرش را اعلام کرد. در جریان تحقیقات برای یافتن این فرد، مأموران متوجه شدند اعضای دیگر خانواده او(از جمله مادر و سه خواهر و برادرش) نیز هم زمان ناپدید شده اند. همین موضوع باعث شد تحقیقات درباره سرنوشت اعضای این خانواده با حساسیت بیشتری دنبال شود.
در ادامه بررسی های فنی و پلیسی، توجه مأموران به دو برادر خانواده معطوف شد. این دو متهم در ادامه به قتل خانواده خود با انگیزه تصاحب ارثیه پدری اعتراف کردند.

یکی از متهمان در اعترافات خود گفت: اختلاف خانوادگی ما بر سر ارثیه بود. مادرم چند سال به من فشار می آورد که سهم ارثم را واگذار کنم؛ می گفت توسهمی نداری و تبعیض قائل می شد. او من را بیش از فوت پدرم از خانه بیرون کرد. چند سال در خیابان و چند سال هم در یک انباری زندگی کردم. خانواده ام در این یک سال به من فشار می آوردند. آب و غذا به من نمی دادند تا سهمم را بخشم. به هر کسی هم می گفتم، کمک نمی کرد. مجبور شدم آن ها را بکشم. متهم در ادامه درباره نحوه قتل اعضای خانواده گفت: مجبور شدم مادرم را خفه کنم، بعد برادرم را با اسلحه بکشم؛ یکی از خواهرهایم را هم خفه کردم. چهار نفر اول را در یک روز به قتل رساندم. چهار ماه بعد با یکی از برادرانم به نام محمدرضا صحبت کردم تا با ما همکاری کند و قضیه را حل کنیم. او وقتی شنید، قبول نکرد. دعوی شدیدی کردم و از ترس اینکه موضوع را فاش کند، او را هم به قتل رساندیم.

متهم درباره سرنوشت اجساد گفت: برای پنهان کردن اجساد، دو چاهکن افغانستانی به خانه آوردم و از آن ها خواستم دو چاه به عمق ۲۵ متر حفر کنند. سپس اجساد را داخل چاه انداختیم. رسیدگی قضایی به این پرونده ادامه دارد.

روزی ۵۰ نفر در تصادفات جاده ای کشور می میرند



ایستا| شهرومراه از جمله ماه هایی است که خطر وقوع تصادفات و حوادث جاده ای در آن بالا و لازم است مسافران به ویژه در روزهای پایانی شهریور، برنامه ریزی مناسبی برای سفر خود داشته باشند. تاکنون در حوادث جاده ای رخ داده در این ماه، ۱۶۰۹ نفر از هم وطنان جان خود را از دست داده اند که به طور میانگین روزانه بیش از پنجاه نفر در جاده ها جان باخته اند.

تشنگی، ۱۷ مهاجر غیرقانونی را از پادرآورد

صد او سیما| هفده مهاجر در منطقه مک سوخته در محدوده مرزی روتک شهرستان سراوان در استان سیستان و بلوچستان ایران، در مسیر ورود غیرقانونی بر اثر تشنگی شدید جان باختند. در میان جان باختگان پنج زن از یک خانواده اهل ولایت بغلان و دست کم شش کودک زیر چهارده سال حضور داشته اند. گزارش ها حاکی است این گروه در جریان حرکت باکمبود شدید آب مواجه شده است. در موارد مشابه، گفته می شود که قاچاقچیان انسان، مهاجران را در حالی که آب و غذای کافی به همراه ندارند در بیابان ها رها می کنند.

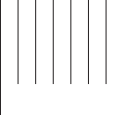
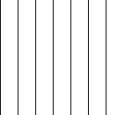
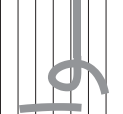
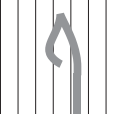
سقوط یک فروند جنگنده F16 در آمریکا



مهر ا گارد ملی آمریکا سقوط یک فروند جنگنده F16 بر فراز مناطق شمالی ایالت میشیگان را تأیید کرد. این حادثه در منطقه «فوکس ۲ دیترویت» رخ داد و پس از آن دستور پناه گرفتن در محل صادر شد. تاکنون مشخص نیست که این حادثه به مجروح یا کشته شدن افرادی منجر شده است یا خیر

۳ کشته بر اثر تیراندازی در مدرسه فیلیپینی ها

ایرنا| مقامات فیلیپینی اعلام کردند که بر اثر تیراندازی در مدرسه ای در جنوب این کشور، سه نفر از جمله دو دانش آموز و فرد تیرانداز شانزده ساله کشته شدند. در این حادثه هشت نفر دیگر زخمی شدند که وضعیت عمومی چهار نفر از آن ها وخیم است و همه قربانیان دانش آموزان چهارده تا هفده ساله هستند. ظاهرا مظنون در کنار دوستان خود نشست و به آن ها گفته است که به خانه بروند و گفته بعد از نهار، نقشه ام را اجرا خواهم کرد. این فرد بعد از نهار، شروع به تیراندازی به دانش آموزان کرد. وی به ۱۰ دانش آموز شلیک و سپس اقدام به خودکشی کرد.



محمدجواد ابوعطا

دو نفر بودند، هم محله ای و هردو سی و پنج ساله. همه این سال ها رانیز باهم بزرگ شده بودند. بهمن اول هفته گذ شته به رفیقش ابوالفضل که یک پراید دارد، پیشنهاد کرد که باهم برای تفریح به شهرستان کلات بروند؛ پیشنهادی که دوستش پذیرفت و آن ها راهی روستاهای خوش آب و هوای کلات شدند، اما برخلاف دیگر گردشگران که به طبیعت می روند و پس از خوش گذرانی بازمی گردند، آن ها سفری شروانه را آغاز و شروع به سرقت از اهالی روستاهای کلات کردند، غافل از اینکه مأموران پلیس با دستور سرهنگ امیررضا فعال، فرمانده انتظامی شهرستان کلات، پیش از آنکه متهمان بتوانند لوازم دزدی خود را به مشهد برسانند، این سارقان دزد را دستگیر می کنند.

ماجرای این پرونده به شکایت یکی از اهالی روستاهای شهرستان کلات بازمی گردد. این فرد با مراجعه به پاسگاه جلیل آباد اعلام کرد که دو فرد به ظاهر گردشگر، وانت پیکان او را دزدیده و در همین منطقه در حال رفت وآمدند. با اعلام این خبر به فرمانده انتظامی این شهرستان و صدور دستورات تخصصی از سوی سرهنگ فعال، تحقیقات به جریان افتاد. مأموران با همکاری مال باخته و اهالی به سرخن هابی رسیدند که نشان می داد سارقان در حوالی یکی از روستاهای کلات دیده شده اند. با حضور مأموران انتظامی، این افراد قصد فرار داشتند که وانت سرقتی شان به تابلوی راهداری برخورد کرد و متوقف شد و هنگام فرار با پراید نیز ناکام ماندند و دستگیر شدند.

● می خواستم بروم عروسی که وانت خراب شد

مالک وانت پیکان که خودرو اش در تصادف خسارت زیادی دیده بود، به عنوان شاکی در پاسگاه جلیل آباد حاضر شد و در شکایت از متهمان گفت: شبی که وانتم را دزدیدند، برای عروسی به روستای رقتم که ماشین خراب شد، آن را حوالی قبرستان گذاشتم و پیاده به روستا رقتم، آخر آن شب، وقتی عروسی تمام

ابوعطا| صدای انفجار، کارکنان یکی از ساختمان های ادارات

مشهد را به خیابان می کشاند. آن ها متعجب از اینکه مردی سیاه و سوخته روی زمین افتاده است، به سمت او می روند؛ اما تنها حرکتی که از این فرد می بینند، بازوبسته شدن آرام لب هایش بوده است که آن هم پس از دو بار، کاملاً قطع می شود. شاهدان بلافاصله با پلیس و اورژانس تماس می گیرند، اما نمی دانسته اند که در حال تماشای مرگ یک دزد هستند. این حادثه ظهر پنجشنبه در انتهای عباس آباد رخ می دهد. با اعلام این گزارش و حضور کارشناسان اورژانس در محل، معاینه های تخصصی انجام می شود که امدادگران مرگ این فرد را اعلام می کنند.

هم زمان با حضور افسران کلانتری شهید رجایی در محل، گزارش این مرگ مشکوک به قاضی وحید خاکشور، بازپرس جنایی، اعلام می شود. با دستورات ویژه صادر شده از سوی قاضی خاکشور،

عکس خبر

خطر از کنار گوش یک انبار ضایعاتی گذشت

شد و برگشتم، دیدم وانت را دزدیده اند. بعد به سراغ دوربین مدار بسته سوپرمارکت روستای «چرم کهنه» رقت و امد می کنند. ما آن ها را شناسایی کردیم و موضوع را به پاسگاه جلیل آباد اعلام کردیم. در ادامه با مأموران به سراغشان رفتیم که قصد فرار با وانت را داشتند و با ماشین من به تابلوی روستای «سینی» زدند و قصد داشتند با پراید فرار کنند که دستگیر شدند. خودروی من خسارت زیادی دیده است؛ همچنین مدارک خودرو ام پیدا نشده است و متهمان می گویند که آن ها را دور انداخته اند ولی نمی دانند کجا.

● وانت بین راه خراب شد

بهمن، یکی از متهمان، در بازجویی های پلیس اعتراف کرد: من و ابوالفضل در مشهد هم محله ای و رفیق هستیم. شنبه هفته پیش او پیشنهاد داد که به کلات برویم. من قبول کردم و با پراید ابوالفضل راهی شدم. در مسیر به دنبال خرید مواد مخدر بودیم که نتوانستیم پیدا کنیم. ابوالفضل پیشنهاد داد در مسیر برویم و از باغ مردم گردو بچینیم. برای همین وارد روستای «چرم کهنه» شدیم و رقتیم داخل یک باغ. بعد از ورود، چشمان به یک خانه باغ افتاد که درش قفل بود، اما قفل اویران بود و بسته نشده بود. ما به راحتی وارد این خانه باغ شدیم. پس از ورود متوجه شدیم که یک کیسه گردو کنار اتاق است که آن را برداشتیم. دوگاز بییک نیکی، کلنگ، مقداری سیب برق و... نیز وجود داشت که همه را برداشتیم و از آنجا خارج شدیم.

متهم درباره سرقت وانت نیز معترف شد: این باغ در گودی بود. وقتی بالا آمدیم، خودمان را کنار قبرستان روستا دیدیم و متوجه شدیم که یک وانت پیکان آنجا رها شده است و کسی آن دور و ور نیست. ابوالفضل گفت که می تواند بدون سوییچ، وانت را روشن کند و پیشنهاد داد که بیایین وانت را بزدیم. بعد باهم در آن را باز کردیم و ابوالفضل آن را روشن کرد و خودش روی صندلی شاگرد نشست. من پشت فرمان نشستم و ناچار با وانت وارد روستا شدیم. تقریباً شب شده بود که ماشین را در یک قسمت تاریک به طوری که دیده نمی شد، متغفی کردیم. بعد برای اینکه برویم و پراید خودمان را بیاوریم، برای یک

دستگیری ۲ متهم که برای تفریح به مناطق خوش آب و هوای کلات رفته بودند اما دست به سرقت زدند

ماجرای گردشگرانی که دزد بودند



پراید سفید که راننده اش یک پیرمرد بود، دست تکان دادیم و او ما را تا محل پارک پراید مان رساند. بعد پراید خودمان را برداشتیم و به سراغ وانت رقتیم. من سوار وانت شدم و ابوالفضل با پراید آمد و به سمت روستای «سینی نو» رقتیم و از آنجا به سمت «سینی کهنه» حرکت کردیم که وانت بنزین نداشت و بین راه خاموش شد. این سارق که سابقه دارد، ادامه داد: وسایل را به پراید منتقل کردیم و دنبال کار خودمان رقتیم. دو روز بعد، یعنی دوشنبه پیش، برای انتقال وانت به مشهد آمدمیم اما هرکاری کردیم، وانت از جایش حرکت نکرد. در همین هنگام شلنگ ترمز پراید نیز پاره شده بود که در تلاش بودیم هر دو خودرو را تعمیر کنیم که فهمیدیم عده ای دنبال ما می گردند. خواستیم وانت را جابه جا کنیم که نشند و هر دو سوار پراید شدیم تا فرار کنیم که پلیس رسید و ما را دستگیر کرد.

● بهمن گفت به کلات برویم

ابوالفضل، دیگر متهم این پرونده، نیز اعتراف کرد: اول هفته پیش بود که بهمن، دوستم، پیشنهاد

شواهد، مأموران را به این نتیجه رساند که آن ها با پیکری بی جان یک کابل دزد روبه رو هستند.

در ادامه تحقیقات، افسران کلانتری شهید رجایی متوجه خودروی پرابیدی شدند که کمی دو رتر پارک شده و درهای آن باز بود. در ادامه با تحقیقات فنی و میدانی مشخص شد این خودرو متعلق به فرد جان باخته است.

همچنین پلیس متوجه شد که این فرد با خودروی پراید به آنجا مراجعه کرده و پس از پیاده شدن و رفتن روی ستون برق دچار برق گرفتگی شدید شده و با شدت روی زمین سقوط کرده است. در بررسی مدارک موجود، هویت متوفی به نام «حسین» حدود چهل ساله کشف شد. در ادامه با دستور بازپرس جنایی، جسد برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.



سهیل دیبا| انبارهای ضایعاتی همیشه متهم به رعایت نکردن اصول ایمنی هستند، حالا اگر حادثه ای نیز در آن ها رخ دهد، دیگر نمی توانند ادعا کنند که همه اصول ایمنی را رعایت کرده اند؛ البته که مالکان این انبارها نیز عموماً خودشان ادعایی در این زمینه ندارند. یکی از این حوادث آخر هفته گذشته در شرق مشهد رخ داد. با اعلام آتش سوزی در انبار ضایعاتی واقع در جاده کته بیست، روستای کلاته فیض آباد، آتش نشانان مشهدی راهی محل شدند. بررسی های اولیه نشان داد که حادثه در انبار یک هکتاری ضایعات لاک، پلاستیک و مواد پلی پروپیلن (ظروف یک بار مصرف) رخ داده است. باتوجه به وسعت یک هکتاری انبار و ماهیت بسیار قابل اشتعال مواد پلی پروپیلن، شعله های آتش به سرعت گسترش یافت که آتش نشانان با حضور بموقع و مدیریت صحیح، عملیات اطفا را از چند جبهه آغاز کردند و چهار ساعت بعد توانستند این حادثه را بدون هیچ مصدومیت جانی، مهار و خاموش کنند.

عکس: روابط عمومی آتش نشانانی

جدول ۴۶۵۴																			
کشور شکر	سوره هفتم			م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ	د	پ
کاربی نامل	ترازو			س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک	خ	د	پ	ن	ی	ا	ب	ز	م	ر	و	ک
				س	ف	م	ا	ج	د	ر	ز	س	ش	م	ل	ر	و	ک	خ
				ل	ر	و	ک												